

جمهوری اسلامی و سرمایه اجتماعی
علی اکبر طارمی^۱ - افشین زرگر^{۲*} - حسینعلی نوذری^۳
تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۲/۰۴ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۲/۲۲

چکیده:

انقلاب اسلامی ایران به واسطه اهداف متخذه از سوی رهبران، بسترساز شکل‌گیری جمهوری اسلامی گردید. نظامی که مفاهیمی همچون؛ اعتماد، مشارکت و هنجار را در خود نهفته دارد. مفاهیمی که از شاخص‌های اصلی سرمایه اجتماعی به حساب می‌آیند. در واقع هدف‌گذاری رهبران انقلاب اسلامی، بر پایه بهره‌گیری از سرمایه اجتماعی موجود نسبت به خود در مقابل حکومت پهلوی، صورت پذیرفته است. پرسش آن است که جایگاه سرمایه اجتماعی در نظام جمهوری اسلامی ایران چگونه است؟ و چه بستر و بهره‌ای از آن در جهت اهداف صورت گرفته است؟ یافته‌ها نشان می‌دهد؛ با وجود نقش اساسی سرمایه اجتماعی در پیروزی انقلاب اسلامی و استقرار نظام، سرمایه اجتماعی و شاخص‌های آن با عدم ثبات در بهره‌گیری همراه بوده است. در واقع بازنگری و توجه به ضرورت سرمایه اجتماعی در برنامه‌ریزی امور به‌عنوان پشتوانه مطمئنی، مورد هدف است. بر این اساس با بهره‌گیری از روش تحلیلی - تبیینی به بررسی موضوع خواهیم پرداخت.

واژگان کلیدی: جمهوری اسلامی ایران، سرمایه اجتماعی، ارزش‌ها، مشارکت و سیاستگذاری

JPIR-2104-1849

۱- دانشجوی دکتری علوم سیاسی (مسائل ایران)، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران

۲- گروه علوم سیاسی و روابط بین الملل، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران: نویسنده مسئول

Zargar.a2003@gmail.com

۳- گروه علوم سیاسی و روابط بین الملل، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران

مقدمه

از مهمترین عواملی که منجر به شکل‌گیری تحولات عظیمی چون انقلاب می‌گردد، حضور و مشارکت حداکثری مردم است که بر پایه اعتماد به رهبران انقلابی، در جهت تحقق اهداف و آرمان‌های ترسیم شده صورت می‌پذیرد. انقلاب اسلامی ایران که در سال ۱۳۵۷ (۱۹۷۹م) به وقوع می‌پیوندد و از مهمترین وقایع و مقاطع تاریخ معاصر به حساب می‌آید که بسیاری از معادلات سیاسی در عرصه منطقه‌ایی و بین‌المللی را برهم زده است. انقلاب اسلامی ایران که با خروش مردم ناراضی از ناکارآمدی نظام سیاسی سلطنت پهلوی به وقوع پیوست و پایه‌گذار ساختار جدیدی در عرصه سیاسی و نظام‌های سیاسی گردید.

از سوی دیگر، اعتماد و مشارکت از شاخص‌ها و متغیرهای اصلی سرمایه اجتماعی محسوب می‌گردند. سرمایه اجتماعی که سنگ بنای روابط میان مردم با یکدیگر و نیز با دولتها را سامان می‌دهد، در واقع بر مبنای مجموعه‌ایی از هنجارهاست، که در پی برقراری آنها، موجب تسهیل در روابط شده و به کاهش هزینه‌های مرتبط با این روابط می‌انجامد. سرمایه اجتماعی به واسطه دارا بودن شاخص‌هایی همچون اعتماد، مشارکت، هنجار، شبکه شکل یافته، جامعه مدنی و...، در شکل‌گیری، تداوم و بقاء دولتها (حکومت‌ها) نقش اساسی و تعیین کننده‌ایی را برعهده دارد. جمهوری اسلامی که نظام برآمده از انقلاب اسلامی است، مبتنی بر شاخص‌های ذکر شده در سرمایه اجتماعی یعنی اعتماد، مشارکت، و... ترسیم شده و مسیر حرکت خود را پیموده است. بی‌شک از میان رفتن و عدم وجود سرمایه اجتماعی برای نظام سلطنت پهلوی، این فرصت را به رهبران انقلاب داد تا با جلب اعتماد مردم و با تکیه بر ارزش‌های مشترک و مشارکت حداکثری آنها، نارضایتی‌ها را مدیریت نموده و تغییر انقلابی را رقم زنند.

بررسی موضوع سرمایه اجتماعی با محوریت کشور ایران و نظام جمهوری اسلامی که تحولات سیاسی و اجتماعی پرفراز و فرودی را تجربه کرده است و درس‌ها و عبرت‌های فراوانی در آن نهفته است و علیرغم تلاش‌های فراوانی که صورت پذیرفته جای کار بسیاری دارد و می‌تواند کار پژوهشی مناسبی را پیش روی ما قرار دهد.

دغدغه حکومت دینی، ساختارهای دموکراسی و جمهوری، دغدغه‌ایی است که محقق نیز دارد و به دنبال ارزیابی و آسیب شناسی آن است. چرا که معتقد است نظام سیاسی دینی می‌تواند نمونه، نماد و الگوی مناسبی در کنار دیگر نظام‌های سیاسی باشد. بر این اساس تلاش محقق در این راستا مسیر یافته تا از منظر سرمایه اجتماعی به کنکاش در این موضوع پرداخته و مسیر طی شده را مورد ارزیابی قرار دهد.

در این نوشتار ضمن اشاره به برخی تحقیقات انجام شده به بررسی مفهومی سرمایه اجتماعی و نیز فرآیند شکل‌گیری نظام جمهوری اسلامی، سنجش این موضوع و پاسخ به پرسش (هایی) در همین راستا خواهیم پرداخت که: جایگاه سرمایه اجتماعی در جمهوری اسلامی چگونه است؟ و در مسیر طی شده در طول بیش از چهل سال از زمان تاسیس آن، رویکرد به این مفهوم و بهره‌گیری از آن به چه میزان بوده است؟ آیا جمهوری اسلامی توانسته با درک صحیح از جایگاه این مفهوم استفاده لازم را از آن ببرد؟ و سوالات دیگری از این دست که باتوجه به مستندات از قبیل اندیشه‌های رهبران و اسناد حاکمیتی موجود و آسیب‌شناسی عملکرد حکومت، این پژوهش صورت خواهد پذیرفت.

پیشینه پژوهش

در مورد سرمایه اجتماعی، تحقیقات و پژوهش‌های محدودی در ایران صورت پذیرفته است که به برخی از آنها اشاره می‌گردد:

بررسی عوامل موثر بر سرمایه اجتماعی (اعتماد، انسجام و مشارکت اجتماعی) در فصلنامه مدیریت نظامی و به همت زهرا نعمت‌الهی (۱۳۹۲) به چاپ رسیده است. در این تحقیق با تبیین مفهومی سرمایه اجتماعی از دید اندیشمندان مختلف از جمله آنتونی گیدنز، فوکویاما و... به بررسی ابعاد سرمایه اجتماعی شامل؛ اعتماد، مشارکت و انسجام اجتماعی پرداخته و تلاش شده است میزان اثرگذاری عواملی چون تعلقات تاریخی، تعهدات فرهنگی و اعتقاد دینی را بر فرآیند انسجام، اعتماد و مشارکت اجتماعی در جامعه هدف مورد ارزیابی و سنجش قرار گیرد. نتیجه حاصل شده در این تحقیق آن است که هرچه قدر تعلقات تاریخی، تعهدات فرهنگی و مذهبی بیشتر باشد، میزان انسجام و اعتماد و مشارکت اجتماعی بیشتر خواهد بود. در این تحقیق با مدنظر قرار دادن برخی از هنجارها و ارزش‌های فرهنگی و مذهبی جامعه در چارچوب هویت دینی، به تبیین شاخص‌ها و ابعاد و جایگاه سرمایه اجتماعی پرداخته شده است. نکته قابل ذکر آنکه، هنجارها و ارزش‌ها که می‌تواند مبتنی بر هویت دینی در یک جامعه تعریف شود، در واقع خود یکی از شاخص‌های سرمایه اجتماعی محسوب می‌شود. بر این اساس می‌توان گفت در این مقاله، میزان اثرگذاری یک شاخص سرمایه اجتماعی بر شاخص-های دیگر آن مورد ارزیابی قرار گرفته است و این خیلی مطلوب نمی‌تواند باشد.

آیا سرمایه اجتماعی، واقعاً سرمایه است؟ عنوان مقاله‌ای است که به قلم محسن رنانی (۱۳۸۸) که در فصلنامه راهبرد یاس، ارائه شده است؛ در این تحقیق به منظور ارزیابی مفهومی سرمایه اجتماعی، این سوال مطرح می‌گردد که آیا سرمایه اجتماعی، می‌تواند سرمایه باشد؟ سرمایه که

یک مفهوم اقتصادی است چه نسبتی با مفهوم اجتماع دارد؟

در این راستا با بررسی پیشینه مفهوم سرمایه اجتماعی، به بیان نظریات مختلف مرتبط با آن می‌پردازد. همچنین بررسی تفاوت سرمایه اجتماعی با دیگر سرمایه‌ها بخش دیگری از این نوشته را به خود اختصاص داده است. آنچه نتیجه این تحقیق است، آنکه سرمایه اجتماعی بسیاری از ویژگی‌های سرمایه از قبیل: قابل اعتماد بودن، امکان سرمایه‌گذاری، قابلیت اطمینان، انعطاف‌پذیری و مواردی از این دست را دارا می‌باشد. بر این اساس سرمایه اجتماعی یک سرمایه است و می‌تواند به عنوان یک سرمایه تاثیرگذار در تحلیل‌ها مورد استفاده قرار بگیرد، هرچند همه ویژگی‌های سرمایه (از بعد اقتصادی) را دارا نباشد. در این مقاله با یک دید اقتصادی به ارزیابی یک مفهوم اجتماعی پرداخته شده است، که فقط جنبه‌هایی از مفهوم را تبیین می‌کند. به هر حال امر اجتماعی و انسانی را نمی‌توان صرفاً با یک دید اقتصادی مورد سنجش و ارزیابی قرار داد.

بررسی تعاریف، مفاهیم و چگونگی ایجاد سرمایه اجتماعی (با تاکید بر اعتماد اجتماعی)، عنوان مقاله‌ای است به قلم کمال درانی (۱۳۸۷) که در نشریه مهندسی فرهنگی به چاپ رسیده است. نویسنده هدف خود از بررسی مفاهیم، تاریخچه، تعاریف، الگوها، مزایا و اجزای سرمایه اجتماعی را در راستای تبیین جایگاه اعتماد اجتماعی و بررسی تعاریف، کارکردها، اشکال، نظریات و دیدگاه‌های مرتبط با اعتماد اجتماعی، رابطه اعتماد اجتماعی با مشارکت و احساس امنیت بیان نموده است. در این مقاله پس از بررسی نظریات اندیشمندان حوزه علوم اجتماعی و جامعه‌شناسی در مورد سرمایه اجتماعی، به بیان اشکال عمده اعتماد از قبیل اعتماد بنیادی، اعتماد تعمیم یافته و اعتماد بین شخصی مبادرت شده است و در پایان نتیجه‌ایی که نویسنده مقاله می‌گیرد؛ اهمیت اعتماد متقابل در تعاملات اجتماعی تا بدان حد است که می‌توانیم بگوییم که اگر اعتماد میان اعضای جامعه نباشد و یا اندک باشد، تعاملات و روابط میان جامعه از تنظیم خارج می‌شود و روابط پایدار میان اعضای جامعه کمتر برقرار می‌شود. آنچه در این مقاله به بررسی آن پرداخته شده، یکی از مهمترین شاخص‌های سرمایه اجتماعی، یعنی اعتماد است که از ارکان پایداری سرمایه اجتماعی و به تبع آن، پایداری نهاد جامعه و حاکمیت است. اما باید پذیرفت که صرف وجود اعتماد برای این منظور کافی نبوده و لازم است با همه جانبه‌نگری در این بررسی گام نهاد.

سید اسکندر صیدایی (۱۳۸۸) در نوشتاری با عنوان دیباچه‌ایی بر سرمایه اجتماعی و رابطه

آن با مولفه‌های توسعه اجتماعی در ایران که در نشریه راهبرد یاس به چاپ رسیده است، به بررسی شناخت رابطه توسعه اجتماعی با سرمایه اجتماعی با محوریت نابسامانی‌های اجتماعی و توزیع نابرابر منابع و امکانات پرداخته است. در این مقاله پس از طرح نظریات مرتبط با توسعه و سرمایه اجتماعی از اندیشمندانی چون کلمن، پاتنام و ... به ارزیابی مفاهیم و مصادیق نابرابری و نابسامانی در توزیع امکانات و منابع پرداخته و در نهایت نتیجه می‌گیرد که بین سرمایه اجتماعی و فرآیند توسعه در مرحله‌ایی که عدم تعادل‌ها، نابرابری‌ها، نابسامانی‌ها و تبعیض‌ها وجود دارد، چگونگی توسعه و برنامه‌های آن در توزیع مفید منابع در ایجاد و تقویت سرمایه اجتماعی نقش دارد. سپس بعد از آنکه با عناصری مانند آگاهی، توانمندسازی، اعتماد و مشارکت، سرمایه اجتماعی شکل گرفت؛ این سرمایه می‌تواند به عنوان یک متغیر مهم در برنامه‌های توسعه‌ایی وارد عمل شود و به کارآمدی برنامه‌ها و همراهی و همکاری آحاد مردم منجر شود. این بررسی و تعیین جایگاه برای سرمایه اجتماعی در مسیر توسعه یک امر مهم و اساسی است که باید بیش از این در برنامه‌ریزی‌ها مورد توجه و تاکید قرار بگیرد. طبیعتاً لازمه شکل‌گیری صحیح این رابطه، بسترسازی مناسب برای شاخص‌های اساسی و کلیدی سرمایه اجتماعی است.

سرمایه اخلاقی مولد سرمایه اجتماعی به قلم فاطمه شمس (۱۳۹۶) مقاله‌ایی است که در نشریه مدیریت سرمایه اجتماعی به چاپ رسیده است. در این مقاله با بیان اینکه امروزه جوامع دچار مشکل فضیلت اخلاقی پایین هستند؛ معتقد است باید در عملیات اخلاقی‌تر کسب و کار و تمایل به تجدیدنظر در محوریت صرفاً سود مدل کسب و کار تغییر پارادایم انجام پذیرد. مفهوم سرمایه اخلاقی به درک ما از چگونگی عمل افراد در جامعه می‌افزاید. در مجموع به عنوان شکلی از سرمایه نمادین، این مفهوم به طور اساسی متفاوت از دیگر اشکال سرمایه است. از نظر نویسنده مقاله، و در جمع بندی؛ اگر توصیه‌های اخلاقی در بستر سازمانی رعایت شوند، شکوفایی و رشد مطلوب اقتصادی همراه با شکوفایی ارزش‌های انسانی را به ارمغان خواهند آورد.

در ارزیابی این مقاله لازم است ذکر شود که تکیه بر مبانی ارزشی و اخلاقی در کارکردهای اجتماعی و اقتصادی امری مطلوب است که باید برای تحقق آن بسترهای لازم و ضمانت‌های کافی نیز فراهم شود، چرا که نمی‌توان صرفاً به توصیه اکتفا نمود.

در جمع بندی تحقیقات و مطالعات پیشینی پیرامون سرمایه اجتماعی که به برخی از آنها اشاره شد، نکات قابل توجه آن است که:

الف- عمده مطالب بر یکی از شاخص‌های سرمایه اجتماعی مثل اعتماد و یا مشارکت تاکید شده بود و کمتر جامعیتی در ارزیابی آنها به چشم می‌خورد.

ب- در مطالعات پیشین؛ بررسی توأمان سرمایه اجتماعی و جمهوری اسلامی ایران، مورد و سابقه‌ای یافت نشد. در واقع بررسی تحقیقات و مطالعات پیشین؛ نگارنده را بیش از پیش در انجام این تحقیق مصمم‌تر ساخت.

مفهوم‌شناسی

مفهوم سرمایه اجتماعی

از نظر لغوی، سرمایه به معنای ثروت و دارایی است که بیشتر جنبه مادی پیدا می‌کند، اما وقتی در ترکیب با واژه اجتماع به کار می‌رود، آنگاه جنبه غیر مادی و ناملموس را به ذهن متبادر می‌سازد.

مفهوم سرمایه اجتماعی که یک مفهوم مدرن و برای دنیای جدید است، بازگوکننده دارایی‌های اجتماعی از قبیل اعتماد، هنجار و نظم است. این واژگان ترکیبی که توسط اندیشمندان و نظریه‌پردازانی چون رابرت پاتنام، جیمز کلمن، فرانسیس فوکویاما و نیز پی‌یر بوردیو در علوم اجتماعی، جامعه‌شناسی و علوم سیاسی به کار رفته است، تبیین کننده چارچوبی قاعده-مند به منظور سنجش و ارزیابی چرایی و چگونگی روابط میان افراد با پیرامون خود و با نظام‌های سیاسی می‌باشد.

در بیان رابرت پاتنام، سرمایه اجتماعی به اعضای جامعه و مشارکت‌کنندگان در آن کمک می‌کند تا بتوانند به اهداف مشترک دسترسی یابند. (۱۹۹۶: ۵۶) بدین منظور ویژگی‌های زندگی اجتماعی، شبکه‌ها، هنجارها و اعتماد را شاخص‌های سرمایه اجتماعی در جهت تحقق اهداف هم‌راستا در جامعه بر می‌شمارد.

سرمایه اجتماعی از نظر پی‌یر بوردیو، جامعه‌شناس معروف فرانسوی، عبارت است از سرمایه-ایی از روابط اجتماعی که در صورت نیاز، حمایت‌های سودمندی فراهم می‌کند. (۱۹۷۷: ۵۰۳) در واقع از نظر وی، سرمایه اجتماعی شأنی را برای افراد جامعه به ارمغان می‌آورد که همچون پول رایجی قابل بهره‌گیری بوده و در موقعیت‌های پیش آمده، امکان هزینه کرد آن وجود خواهد داشت. جیمز کلمن که از پایه‌گذاران مفهوم سرمایه اجتماعی شناخته می‌شود، در تعریف آن چنین بیان می‌دارد:

"سرمایه اجتماعی عبارت است از مجموعه‌ای از منابع که در روابط خانواده و در سازمان اجتماعی محلی وجود دارند و برای رشد اجتماعی یا شناختی اعضای جامعه مفید هستند. این

منابع برای افراد مختلف متفاوت اند و می‌توانند امتیاز مهمی را برای توسعه سرمایه اجتماعی ایجاد کنند." (۱۹۹۴: ۳۰۰)

همچنین فرانسویس فوکویاما، سرمایه اجتماعی را مجموعه هنجارهای موجود در سیستم اجتماعی می‌داند که موجب ارتقاء سطح همکاری اعضای آن جامعه می‌گردد. (۱۹۹۹: ۵) بر این اساس و به‌طور طبیعی، افزایش تعامل و همکاری میان اعضاء و کنشگران درون جامعه، موجب کاهش هزینه‌ها و افزایش بهره‌وری در فرآیندهای مختلف موجود در جامعه خواهد شد. بر طبق این تعاریف و بسیاری از تعاریف دیگر اندیشمندان، سرمایه اجتماعی دارای شاخص‌هایی می‌باشد که بررسی و ارزیابی آن، بواسطه این شاخص‌ها انجام‌پذیر خواهد بود. در ادامه به تشریح آنها خواهیم پرداخت عبارتند از: اعتماد، مشارکت، هنجار و شبکه. در واقع مفهوم سرمایه اجتماعی، زمانی قابل فهم، بررسی و سنجش است که درک صحیحی از شاخص‌ها و مولفه‌های آن داشته باشیم. اینکه اعتماد متقابل، مشارکت حداکثری و هم افزا، هنجارهای پذیرفته شده و شبکه‌های پایدار روابط می‌توانند، سرمایه اجتماعی را محقق سازند و منجر به کاهش هزینه‌های روابط اجتماعی و کنشگری در میدان قدرت گردند.

اعتماد

از نظر لغوی به معنای تکیه کردن، متکی شدن به کسی و کاری را بی‌گمان به او سپردن و نیز واگذاشتن کار به کسی می‌باشد. (عمید، ۱۳۸۹: ۱۴۳) از نظر مفهومی تعاریف مختلف و متنوعی از سوی اندیشمندان صورت پذیرفته است که در ذیل به برخی از آنها اشاره می‌گردد:

فرانسویس فوکویاما اندیشمند ژاپنی‌الصل، مقیم ایالات متحده آمریکا که مباحث گسترده‌ای پیرامون تحلیل جامعه‌شناسی سیاسی ارائه کرده است؛ با تأکید بر اینکه اعتماد یک ویژگی بنیادین برای سرمایه اجتماعی است (۱۹۹۵: ۲۶) آن را اصلی‌ترین عامل در جهت تقویت و توانمندسازی سرمایه اجتماعی به شمار می‌آورد. همچنین زتومکا با اشاره به جایگاه اعتماد در ثبات اجتماعی اشاره می‌دارد: "اعتماد یک خیر اجتماعی است که به اندازه هوایی که تنفس می‌کنیم، ارزشمند است و وقتی آسیب ببیند، جامعه متزلزل و پاشیده خواهد شد. اعتماد خمیرمایه برقراری، حفظ و تقویت روابط اجتماعی است. (۱۳۹۱: ۱۷۷)

تونیکس و ولزلی نیز در کتاب اعتماد و سرمایه اجتماعی چنین بیان می‌دارند: "اعتماد عنصری است که در پذیرش عاملیت و کارگزاری فرد مقابل استقلال، آزادی و خطرپذیری دلالت می‌کند. اعتماد طلب‌کردنی نیست، عرضه‌کردنی است. اعتماد یک مجموعه نگرش مثبت از یک کنشگر درباره رفتار یا هدف کنش‌گری دیگر است. x به کنش یا هدف y اعتماد

می‌کند، برای اینکه به هدف خود یا هدف مشترک برسد. فرد اعتماد کننده، ارزیابی مثبتی از افراد اعتماد شونده دارد و بر این باور است که برای او مفید است و می‌تواند نقش مهمی در رسیدن او به هدف ایفا کند. البته نه تنها می‌تواند، بلکه اعتماد کننده برای رسیدن به هدف خود واقعاً به او محتاج است." (۱۳۸۷: ۲۴)

جیمز کلنن در مورد رابطه مبتنی بر اعتماد توجه به چند نکته را ضروری می‌داند:

۱- برقراری اعتماد امکان کنشی را از جانب اعتماد شونده به وجود می‌آورد که در غیر این صورت امکانپذیر نبود.

۲- اگر اعتماد شونده، قابل اعتماد باشد، اعتماد کننده از اعتماد خود سود بیشتری می‌برد تا از عدم اعتماد و بالعکس.

۳- اعتماد کردن در برخی موارد مستلزم آن است که اعتماد کننده منبع خود را به شکل داوطلبانه در اختیار اعتماد شونده قرار دهد.

۴- در همه روابط مبتنی بر اعتماد، تأخر زمانی وجود دارد، به بیان دیگر اعتماد کننده باید به امید جبران اعتماد شونده در آینده، اقداماتی را انجام دهد. (۱۳۷۷: ۱۵۴)

همانطور که از تعاریف بالا نمایان می‌شود، مفهوم اعتماد، یک مفهوم کلیدی و ضروری در کنش اجتماعی است، امکان تصور عدم وجود آن در جامعه تقریباً غیر ممکن است، چرا که عدم وجود اعتماد مساوی و برابر با فروپاشی ساختار اجتماعی و متعاقب آن ساخت سیاسی است. در نتیجه اعتماد را می‌توان و باید جزء شاخص‌های اساسی سرمایه اجتماعی قلمداد نمود.

مشارکت

در فرهنگ لغت عمید واژه مشارکت، با هم شریک شدن و شرکت کردن با هم، معنا شده است. (عمید، ۱۳۸۹: ۹۴۴) نظریه‌های تکاملی استدلال می‌کنند که شهروند آرمانی یک شهروند مشارکت کننده است و بنابراین مشارکت، اعمال مسئولیت اجتماعی در نظر گرفته می‌شود. مشارکت یک تجربه یادگیری است که شهروندان را نه تنها آگاه از حقوق خود، بلکه آگاه از وظایف و مسئولیت‌هایش پرورش می‌دهد. چنین دیدگاهی در نوشته‌های ارسطو، جان استوارت میل، دوتوکویل و روسو یافت می‌شود و نیز بخش مهمی از اندیشه‌های محافظه‌کارانه و سوسیالیستی است. (راش، ۱۳۸۵: ۱۴۱)

مایکل راش با بهره‌گیری از نظرات سیلبرات و گوئل بیان می‌دارد که نشانه مشارکت بسته به چهار عامل مهم تغییر می‌کند: انگیزه‌های سیاسی، موقعیت اجتماعی، ویژگی‌های شخصی و محیط‌سیاسی و اینکه مهارت‌ها، منابع و تعهد را نیز به این عوامل اضافه کرد. (۱۳۸۵: ۱۳۵)

با تأکید بر موضوع عقلانیت در مشارکت باید اشاره نمود که فراهم بودن و شدن مشارکت برای اعضا جامعه در تعیین اقدامات، سیاست‌ها و برنامه‌های حاکمان یک فرصت مناسب برای تک تک شهروندان است تا با بهره‌گیری از آن در جهت تحقق خواسته‌ها و مطالبات خویش گام بردارند.

در همین راستا، ماکس وبر با برشمردن انواع آرمانی کنش و رفتار اجتماعی سیاسی اعم از: کنش عقلانی مبتنی بر هدف، کنش عقلانی مبتنی بر ارزش، کنش عاطفی و کنش سنتی (۱۹۴۷: ۱۱۸-۱۱۵) تلاش می‌کند بر اصل و میزان مشارکت در هر یک از آنها تأکید ورزد. یا جیمز کلن که مشارکت را کنشی هدفدار، ارادی و اختیاری به معنی آزادی درونی با ویژگی کنش متقابل میان کنشگر و زمینه اجتماعی و محیطی می‌داند (کلن، ۱۳۷۷: ۴۲) که بر این اساس مشارکت اقدامی آگاهانه خواهد بود که حرکت رو به جلوی جامعه را میسر و هموار می‌سازد.

به‌طور کلی مشارکت عمومی فرآیندی است که در آن به مردم یک جامعه فرصت داده می‌شود که در تعیین سرنوشت و ساختن آینده خود شریک بوده و نقش آفرینی فعال و آگاهانه-ایی را تجربه نمایند. این مشارکت می‌تواند در حوزه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و شرایط و حوادث خاص متبلور شده و عینیت یابد.

هنجار

واژه هنجار که در لغت به معنای راه و روش و طرز و قاعده به کار برده می‌شود، از نظر مفهومی نیز هنجار به منظور تبیین نظم در روابط اجتماعی و برقراری نظم اجتماعی مورد استفاده قرار می‌گیرد.

هنجارها برای زندگی جمعی و نظم اجتماعی الزامی هستند و اگر در شبکه وسیع روابط اجتماعی، هنجارها رعایت نشوند، زندگی اجتماعی مختل و جامعه عملاً فلج می‌شود. در آن صورت روابط اجتماعی که هدفش بهتر ارضا شدن نیاز است، به‌طور معکوس تاثیر می‌گذارد و هر جا که انسان وارد شبکه روابط اجتماعی شود، باید انتظار داشته باشد که این روابط در واقع مانع دستیابی او به هدفش خواهند شد. (رفیع پور، ۱۳۸۷: ۱۸۷)

نظریه هنجاری با ارزش‌ها و اولویت‌های ارزشی سر و کار دارد. در واقع با آنچه باید باشد، جهان چگونه باید نظم یابد؟ و انتخاب‌های ارزشی توسط تصمیم‌گیران چگونه باید رعایت شود؟ (زرگر، ۱۳۸۶: ۶۰۲) بر این اساس در نظریه هنجاری هم بحث ارزش‌ها و نظم در روابط است و در واقع بحث از باید‌ها است. همچنین بیکر، هنجارها را آن دسته از ارزش‌های مشترک یک

گروه می‌داند که از طریق درونی شدن، چنان‌که ترجیح‌های فردی بر رفتار فرد تاثیر می‌گذارد. (۱۹۹۶: ۱۲۲۵) در مجموع می‌توان هنجار را مجموعه قواعد مبتنی بر ارزش‌ها دانست که منجر به نظم در روابط اجتماعی و سیاسی می‌شود و یک چارچوب الزام‌آور را در روابط تنظیم می‌سازد.

شبکه

"یافته‌های بخش اعظمی از تحقیقات را می‌توان این چنین خلاصه کرد: افرادی که قادر به استفاده از حمایت دیگران هستند، سالم‌تر از افرادی هستند که قادر به انجام این کار نیستند؛ همچنین این افراد شادتر و ثروتمندتر هستند، فرزندانشان دارای عملکرد بهتری در مدرسه بوده و اجتماعاتشان دارای رفتارهای ضد اجتماعی کمتری است. این فهرست مهمی از فواید سرمایه اجتماعی است". (فیلد، ۱۳۸۶: ۷۶) نکته مهمی که فیلد در کتاب سرمایه اجتماعی بدان تاکید می‌کند، استفاده از حمایت دیگران است. این یعنی حضور و رابطه داشتن با افراد دیگر در جامعه. این حضور و رابطه پایه اولیه شکل‌گیری شبکه است. شبکه روابط اجتماعی که منجر به کنشگری در فضای جامعه شده و روابط متقابل را ترسیم می‌سازد.

به گفته پاتنام، پیشرفت ملت‌ها و افراد در گسترش اعتماد و شبکه‌های اجتماعی است. (۲۰۰۰: ۳۱۹) از نظر کاستلز نیز شبکه مجموعه‌ای از نقاط اتصال یا گره‌های به هم پیوسته است. (۱۹۹۶: ۵۴۳) در مجموع شبکه را می‌توان مجموعه‌ای از افراد دانست که روابط منظم و نسبتاً پایداری با یکدیگر دارند و برای رسیدن به اهداف مشترک با هم همکاری می‌کنند. این روابط می‌تواند در اهداف مشخص در حوزه‌های مختلف سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و ... صورت پذیرد.

بن فاین معتقد است شبکه‌ها در غیاب مضمون آنچه از طریق آنها جریان می‌یابد و محتوای انگیزه مشارکت‌کنندگان در آنها، هیچ نیستند. (فاین، ۱۳۸۵: ۱۸۴) در واقع موجودیت شبکه‌ها به واسطه حلقه اتصال اعضا که همان موضوع مشترک و هدف مشترک است تعریف می‌گردد.

شبکه روابط اجتماعی یکی از شاخص‌های اصلی سرمایه اجتماعی است. شکل‌گیری سرمایه اجتماعی در کنار اعتماد و مشارکت، از طریق شبکه‌های اجتماعی نیز صورت می‌پذیرد. افراد از این طریق در تقویت و یا تضعیف سرمایه اجتماعی موثر واقع می‌شوند.

امروزه مفهوم شبکه، گسترش قابل توجهی یافته، به طوری که از مفهوم جامعه شبکه‌ای سخن به میان آمده است، که عامل اصلی آن گسترش فناوری اطلاعات و ارتباطات است که منجر به شکل‌گیری شبکه‌های مجازی شده است. شبکه‌های مجازی که جنبه‌های مختلف

سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را در بر گرفته‌اند.

ون دایک، جامعه شبکه‌ای را جامعه‌ای توصیف می‌کند که در آن ترکیبی از شبکه‌های اجتماعی و شبکه‌های رسانه‌ای، مبانی ساختارهای کلیدی جامعه را در هر سه سطح فرد، سازمان و اجتماع شکل می‌دهد. (۲۰۱۲: ۲۹)

به‌طور کلی سرمایه اجتماعی و شاخص‌های مترتب بر آن، شامل اعتماد، مشارکت، هنجار و شبکه به عنوان یکی از مهمترین مؤلفه‌های مؤثر بر کارآمدسازی و برقراری ارتباط صحیح میان نظام سیاسی و مردم مطرح می‌باشد، که با بهره‌گیری مناسب و متناسب از آن می‌توان در بهبود شرایط جامعه و حتی امیدواری به آینده نظام سیاسی به آن اتکاء نمود. در همین راستا و به‌واسطه اهمیت مفهوم سرمایه اجتماعی، به بررسی جایگاه آن در نظام سیاسی جمهوری اسلامی ایران و میزان بهره‌گیری در مناسبات حکمرانی و ارتباط با مردم خواهیم پرداخت.

جایگاه سرمایه اجتماعی در جمهوری اسلامی ایران

جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان یک نظام سیاسی برآمده از اصول و باورهای دینی و ملی، مبنای کار خود را بر مدار حاکمیت مردم در طول حاکمیت ... (اصل دوم ق.ا) و از طریق رای همگانی (فصل ششم ق.ا) قرار داده است. در این نظام که اصل بر رأی مردم است، لازمه تحقق آن شکل‌گیری اعتماد به حاکمیت و نیز مشارکت حداکثری در پیاده‌سازی آن است. همان‌طور که مشخص است لازمه نظام جمهوری، وجود سرمایه اجتماعی است، چرا که شاخص‌های اساسی سرمایه اجتماعی در آن نقش و جایگاه ویژه‌ای را دارا هستند. در نظام جمهوری اسلامی و به تعبیر مقام‌معظم رهبری نظام مردم‌سالاری دینی، رکن اصلی نقش-آفرینی مردم در تعیین سرنوشت و آینده کشور است.

مقام معظم رهبری در تبیین نظام مردم‌سالاری دینی چنین بیان فرموده‌اند:
"مردم‌سالاری دینی یک حقیقت واحد در جوهر، نظام اسلامی است؛ چرا که اگر نظامی بخواهد بر مبنای دین عمل کند بدون مردم نمی‌شود. ضمن آنکه تحقق حکومت سالاری واقعی هم بدون این امکانپذیر نیست". (Khamenei.ir, ۱۳۷۹/۱۰/۱۳)

اعتماد اساس استقرار نظام جمهوری و مردم‌سالار است. مردم اگر به حاکمان خود اعتماد نداشته باشند، در پیش برد و تحقق اهداف و برنامه‌های نظام سیاسی مشارکت نخواهد کرد. همچنین است در رعایت و همراهی با هنجارها. هنجارهای ترسیم شده از سوی نظام که مبتنی بر اصول و مبانی اعتقادی و ملی انجام می‌پذیرد، به واسطه اعتماد و مشارکت مردم، امکان پیاده‌سازی و نهادینه شدن را خواهند یافت.

در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، به مواردی از قبیل رای مردم، مشارکت و ضرورت بسترسازی تحقق آنها اشاره و تاکید شده است. برای نمونه در بند ۸، از اصل سوم چنین آمده است: "دولت موظف است برای تحقق اهداف انقلاب و جمهوری اسلامی، بستر لازم برای مشارکت عامه مردم در تعیین سرنوشت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خویش را فراهم سازد". در اصل ششم قانون اساسی، مدیریت کشور با آرای همگانی مورد تاکید قرار گرفته است: "در جمهوری اسلامی ایران امور کشور باید به اتکاء آرا عمومی اداره شود، از راه انتخابات؛ یا از راه همه پرسی..." از ابزارهای تحقق مشارکت مردم در امور کشور، شوراهای هستند که این موضوع نیز در اصل هفتم قانون اساسی آمده است؛ "طبق دستور قرآن کریم" و امرهم شوری بینهم" و "شاورهم فی الامر" شوراهای، مجلس شورای اسلامی، شورای استان، شهرستان، شهر، محل، بخش، روستا، و نظایر اینها از ارکان تصمیم‌گیری و اداره امور کشورند..."

- اندیشه‌ها و افکار رهبران انقلاب اسلامی

انقلاب‌ها برآیند و محصول افکار و اندیشه‌های رهبران آن هستند که با حمایت و پشتیبانی مردم امکان تحقق می‌یابند. از این‌رو بررسی اندیشه‌ها، افکار و بیانات مقامات ارشد نظام جمهوری اسلامی ایران و به طور مشخص؛ افکار و بیانات حضرت امام خمینی^(۶) که رهبری و بنیانگذاری انقلاب را بر عهده داشتند و نیز مقام معظم رهبری که قریب بیش از ۳۰ سال هدایت، رهبری و راهبری جمهوری اسلامی را برعهده دارند در خصوص سرمایه اجتماعی می‌تواند رویکرد کلی در این خصوص را روشن نماید.

به نظر می‌رسد مهمترین شاخص اعتمادساز میان امام خمینی^(۶) و مردم، مذهب بود که منجر به همگرایی و هم‌افزایی حداکثری در مسیر تحقق و پیروزی انقلاب اسلامی گردید. این رویه پس از انقلاب و استقرار نظام جمهوری اسلامی بر مبنای ولایت فقیه نیز تداوم دارد. از نظر امام خمینی، قدرتی که مذهب در ایجاد وحدت و همدلی و نیز تأثیرگذاری دارد، قدرت نظامی و سیاسی ندارد و قدرت مذهبی قوی‌تر عمل می‌کند. (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۵: ۴۲۳) از نظر ایشان، مردم حامی و پشتیبان اصلی دولت و حکومت اند و البته این پشتیبانی تا زمانی ادامه دارد که دولت، خدمات خود را به مردم عرضه بدارد (همان، ج ۱۷: ۲۶۴) در واقع مبنای این حمایت از دید امام، اعتماد مردم به حکومت است که بسیار حائز اهمیت است. از نظر زتومکا، اعتماد، تمایل فرد به قبول ریسک در یک موقعیت اجتماعی است که مبتنی

برحس اطمینان به دیگران و به‌گونه‌ای است که انتظار می‌رود عمل می‌کنند. (تونیکس، ۱۳۸۷: ۵۰-۵۱). روابط میان افراد با یکدیگر و نیز حکومت‌ها بر مبنای اعتماد متقابل است که صورت می‌پذیرد و از نظر امام خمینی پایه اصلی اعتماد؛ امانت و ترک خیانت است به‌طوری که شخص خائن نمی‌تواند عضو جامعه باشد و از مدنیت و هم‌عضوی جامعه انسانی خارج بوده و او را در محفل مدینه فاضله به عضویت نمی‌پذیرند. (امام خمینی، ۱۳۷۳: ۴۷۶)

براساس بیانات مقام معظم رهبری نیز، توجه به ظرفیت‌های داخلی، پاسخگویی متولیان جامعه و مبارزه با فساد را می‌توان برای شکل‌گیری و حفظ سرمایه اجتماعی کشور مورد توجه قرار داد و از سوی دیگر مهمترین عامل بازدارنده و تضعیف‌کننده سرمایه اجتماعی را اختلافات داخلی، مشکلات اقتصادی و مشکلات فرهنگی دانست.

تأکید بر نقش تأثیرگذار مردم در نظام اسلامی از نکاتی است که با محوریت مفهوم مشارکت، مورد توجه مقام معظم رهبری بوده و بارها به این نکته اشاره نموده‌اند.

"در نظام اسلامی، رأی، خواسته و عواطف مردم تأثیر اصلی را دارد و نظام اسلامی بدون رأی و خواست مردم تحقق نمی‌یابد." (Khamenei.ir)

- اسناد بالادستی

در کنار اندیشه و افکار رهبران نظام، هر نظام سیاسی به منظور پیاده‌سازی اصول، مبانی، اهداف و آرمان‌های خود، آنها را در قالب اسناد بالادستی ترسیم و مورد تأکید قرار می‌دهند. اسناد بالادستی برای متولیان در ساختار حاکمیت لازم‌الاجرا بوده و مبنای تصمیم‌گیری در امور جاری، میان مدت و بلندمدت قرار می‌گیرد. حتی تدوین قوانین عادی نباید مغایرتی با این اسناد داشته باشند.

در حال حاضر مجموعه‌ای از اسناد شامل قانون اساسی، سند چشم‌انداز، سیاست‌های کلی نظام، برنامه‌های توسعه، و الگوی اسلامی- ایرانی پیشرفت، مهمترین اسناد بالادستی در جمهوری اسلامی ایران بوده که سیاست‌گذاری در حوزه‌های مختلف منوط به انطباق با این اسناد می‌باشد. بررسی مفهوم سرمایه اجتماعی، متغیرها و مفاهیم مرتبط با آن (اعتماد، مشارکت، هنجار و شبکه) در این اسناد نشان می‌دهد که علیرغم تأکید رهبران بر شاخص‌های سرمایه اجتماعی؛ توجه کافی و لازم به این موضوع در اسناد بالادستی صورت نپذیرفته است و بیشتر به بیان کلی و گاهی کلیشه‌ای اکتفاء شده است. در واقع هنوز آگاهی و اعتقاد لازم که منجر به پیاده‌سازی بسترهای تحقق سرمایه اجتماعی در جمهوری اسلامی شود به‌ویژه در حوزه عملکردی شکل نگرفته است.

به‌طور کلی در بحث بیان و تبیین ضرورت و الزام سرمایه اجتماعی و شاخص‌های آن برای جامعه و تداوم آن، اقدامات گسترده اما ناکافی صورت پذیرفته است، اما در بخش عملیاتی کردن و تلاش برای پیاده‌سازی و نهادینه ساختن این امر ضروری عملکرد مطلوبی قابل تصویر سازی نیست، چرا که به واسطه عدم توجه به رابطه بیان (حرف)، عمل و عکس‌العمل، ما شاهد ایجاد شکاف و فاصله میان مفهوم‌سازی سرمایه اجتماعی و عملیاتی و نهادینه‌سازی آن هستیم.

چالش‌ها و موانع سرمایه اجتماعی در جمهوری اسلامی ایران

لازمه فراهم‌سازی بستر مناسب به منظور تحقق و نهادینه کردن سرمایه اجتماعی، اعتماد سازی در رابطه میان مردم و حاکمیت است. اعتماد رکن اساسی سرمایه اجتماعی و بستر تحقق آن و دیگر شاخص‌هاست.

آنچه که تحقق سرمایه اجتماعی را با چالش مواجه ساخته است، در واقع عدم تحقق و نهادینه سازی لوازم اعتمادسازی است که در طول چهل ساله بعد از انقلاب اسلامی مسیر متناسب، متوازن و رو به جلویی را تجربه نکرده است. در این میان مسائل و مشکلاتی از قبیل: فرد-گرایی، منفعت‌طلبی، نبود سازمان‌های واسط و رابط، مردم نهاد و نهادهای مدنی، شکل‌گیری تعارض در منافع فردی و جمعی، عدم نگاه بلندمدت (آینده نگرانه) در برنامه‌ها اعم از حاکمیت و مردم، تعارض و اختلافات درون حاکمیتی به ویژه در میان قوا و مسئولان رده بالای حکومتی، تعارض عملکردی میان آرمان‌ها و اهداف با برنامه‌ها و سیاست‌گذاری‌ها، عدم تناسب میان انتظارات متقابل میان مردم و حاکمیت، شکل‌گیری توسعه نامتوازن، گسترش روحیه تجمل و اشرافیگری در بدنه حاکمیت، عدم شکل‌گیری و تحقق شفافیت، عدم ترسیم سیاست رسانه‌ای به ویژه در شرایط بحرانی، عدم شناخت مناسبات قدرت از سوی متولیان و بسیاری موارد دیگر از مهمترین مصادیقی هستند که تحقق سرمایه اجتماعی را در ایران با چالش و مانع مواجه ساخته‌اند. در ادامه به برخی از این مصادیق به صورت تفصیلی خواهیم پرداخت.

- فردگرایی

مهمترین گزاره در مفهوم سرمایه اجتماعی، تحقق در میان جمعی از انسان‌هاست. در واقع معنایابی و هویت آن در روابط میان انسان‌ها و گروهی از افراد، متبلور شده و عینیت می‌یابد. بر این اساس عملکرد مبتنی بر تعامل و روابط بین فردی نقش اساسی در بروز و ظهور سرمایه اجتماعی دارد.

آنتونی گیدنز در کتاب جامعه شناسی، با تأکید بر ناتوانی فرد در تحقق نیازهایش، فرآیند

اجتماعی شدن را مسیری در جهت آگاهی، دانایی و ورزیده شدن به منظور مرتفع ساختن نیازها ترسیم ساخته و معتقد است که به واسطه تعامل و پیوندی که میان اعضای جامعه رخ می‌دهد، تاثیرگذاری و تاثیرپذیری متقابل روی داده و این مسیر تکامل می‌یابد. (۱۳۷۴: ۶۷)

در واقع زیست‌اجتماعی در گرو، تعامل و مناسباتی است که میان تک‌تک اعضای جامعه رخ می‌دهد و غیر آن قابل تصور نیست. در این مسیر همکاری و تعاون و خردجمعی نمود عینی رشد جامعه به‌شمار می‌آید.

آنچه که حرکت عظیم انقلاب اسلامی در ایران را با پیروزی عجین ساخت، همانا همکاری، تعاون و وحدتی بود که میان انقلابیون از طیف‌های مختلف رقم خورده و به گفته حضرت امام ^(ع) "رمز پیروزی وحدت کلمه است". جنگ تحمیلی هشت ساله با وحدت و یکپارچگی میان اعضا و آحاد مختلف جامعه توانست پیروزی را به ارمغان آورد. اما اگر از برخی نقاط و لحظات حساس و مقطعی که بگذریم، غالب زمان‌ها درگیر فرد و منافع فردی بوده‌ایم. این موضوع بعد از جنگ و از دهه ۷۰ شمسی به بعد رشد قابل توجهی داشته است.

البته باید اشاره نمود که فردگرایی و منفعت‌طلبی فردی در کلان جامعه ایران محدوده زمانی فراتر از این سه دهه اخیر داشته و در دل تاریخ چند قرن اخیر باید مصادیق آن را یافت. این موضوع به ویژه در از سوی متولیان و حاکمان جامعه بروز و ظهور بیشتری داشته و به تدریج در جامعه به‌عنوان یک فرهنگ، نهادینه شده است.

- سازمان‌های مردم‌نهاد و نهادهای مدنی

دولت‌ها و نظام‌های سیاسی متولیان اصلی اداره جامعه محسوب می‌شوند. با شکل‌گیری اجتماعات انسانی و گسترش امور مرتبط با آن، ضرورت وجود کارگزاران اجرایی به‌منظور ساماندهی امور را نمایان می‌سازد. اما امروزه علاوه بر گستردگی، ما شاهد پیچیدگی در مسائل مربوط با جوامع هستیم که کار دولت‌ها را با دشواری و گاهی با ناتوانی مواجه می‌سازد. علائق، سلائق، دیدگاه‌ها، مطالبات و مناسبات مختلف میان اعضای جامعه، دولت‌ها را در مسیر تغییر روش در برقراری رابطه با جامعه وا می‌دارد. تجربه‌های مختلف حکمرانی در جوامع انسانی از دیرباز تاکنون، از پادشاهی تا جمهوری و از دیکتاتوری تا دموکراسی، نکته روشن و واضحی را عیان می‌سازد و آن اینکه بدون درک و برقراری صحیح مناسبات میان حاکمیت و مردم، اداره مطلوب جامعه میسر نخواهد بود.

سازمان‌های مردم‌نهاد، سمن‌ها و نهادهای مدنی از جمله مهمترین نهادهای واسطه‌ای هستند که در تکمیل و تصحیح روابط دولت‌ها با مردم و بالعکس نقش مؤثر و کلیدی را ایفا

می‌کنند. این سازمان‌ها به واسطه خاستگاه مردمی و غیردولتی خود، پتانسیل بالایی برای رفع پیچیدگی، تسهیل مناسبات و افزایش اعتماد میان طرفین را دارا می‌باشند.

وجود این نهادها، می‌تواند جامعه را از وضعیت یکنواختی و یک سویه، خارج نموده و پویایی را در آن تزریق نماید و همین موضوع می‌تواند در انسجام اجتماعی و گسترش آن نقش مؤثری را ایفا نماید. همان‌طور که در سطور بالا مورد اشاره قرار گرفت، یکی از مهمترین چالش‌ها و مشکلات جامعه امروزی، گسترش فردگرایی و به تبع آن منفعت‌طلبی فردی است. گسترش سازمان‌های مردم‌نهاد می‌تواند کارکرد و کنشگری جمعی را ایجاد و تقویت نموده و رفع‌کننده چالش فردگرایی نیز باشد.

سازمان‌های مردم‌نهاد، در رایج‌ترین تعریف به سازمان‌های خصوصی اشاره دارد که برای رفع گرفتاری‌ها و آلام مردم و ارتقاء سطح زندگی ایجاد می‌شوند و در کاهش معضلات اجتماعی نقش اساسی برعهده دارند. به تعبیری در یک کارکرد اجتماعی، سازمان‌های مردم‌نهاد، می‌توانند در بعد مادی و غیرمادی در کاهش و رفع چالش‌های جامعه نقش مؤثری را ایفا نمایند. در این میان نقش نهادهای مدنی از قبیل احزاب را نیز نباید نادیده گرفت. احزاب نیز نقش واسطه‌گری و میانجیگری میان خواست مردمی و نهادهای تصمیم‌گیر حکومتی را برعهده دارند که می‌توانند در گسترش تعامل و نهادینه‌سازی فرهنگی مشارکت در فعالیت‌های سیاسی مؤثر واقع شوند. در همین راستا در اصل بیست و ششم قانون اساسی نیز چنین آمده است:

" احزاب، جمعیت‌ها، انجمن‌های سیاسی و صنفی و انجمن‌های اسلامی یا اقلیت‌های دینی شناخته شده آزادند، مشروط به اینکه اصول استقلال، آزادی، وحدت ملی، موازین اسلامی و اساس جمهوری اسلامی را نقض نکنند. هیچ کس را نمی‌توان از شرکت در آنها منع کرد یا به شرکت در یکی از آنها مجبور ساخت."

ارزیابی جامعه ایران در سال‌های پس از پیروزی انقلاب اسلامی و استقرار جمهوری اسلامی بر مبنای وضعیت سازمان‌های مردم‌نهاد و مدنی، فراز و فرود قابل تأملی را نمایان می‌سازد. مشارکت‌های خودجوش مردمی در مقاطع مختلف از قبیل جنگ تحمیلی (بسیج مردمی، کمک‌های پشت جبهه و...)، حوادثی چون زلزله (بم، رودبار و...)، سیل و... از یک‌سو و عدم سازماندهی و جدیت دولت (حاکمیت) در خصوص این مشارکت‌ها و نهادینه‌سازی در قالب سازمان‌های مردم‌نهاد و نهادهای مدنی از سوی دیگر. در واقع اقدامات جمعی در این دوره عمدتاً مقطعی، احساسی و زودگذر بوده و به دلیل عدم سازماندهی و مدیریت این موضوع، اثرات و نتایج آن نیز کوتاه مدت بوده است. درحالی‌که مانایی و پایداری یک جریان یا جامعه

با تداوم و پویایی رویکرد جمع‌گرایانه و سازمانی، قابل تصور و تحقق خواهد بود. بررسی ما از قوانین و مقررات موجود در کشور بویژه برنامه‌های توسعه نشانگر آن است که همواره بر ارتقاء مشارکت سمن‌ها از سوی دولت‌ها در جهت فقرزدایی، اعمال حمایت‌های اجتماعی و ... تأکید بسیاری صورت گرفته است. اما هیچ‌گاه بستر لازم و ساختار مناسب برای ایفای این نقش فراهم نشده است.

- عدم شفافیت

از مهمترین موارد و مسائلی که سرمایه اجتماعی را با چالش مواجه می‌سازد، عدم شفافیت است. شفافیت از ابزارهای مهم حکمرانی خوب است که موجب کاهش هزینه‌ها و افزایش کار-آمدی و بهره‌وری می‌گردد.

طبق تعریف سازمان شفافیت بین‌الملل (۲۰۱۱)؛ شفافیت عبارت است از: آشکار بودن مبنای تصمیمات حکومتی و ساز و کارهای حاکم بر توزیع قدرت و درآمد که به‌عنوان مؤثرترین ابزار مبارزه با فساد اداری برای استقرار دولتی کارا و ایجاد جامعه‌ای پایدار به کار می‌رود. بر این اساس شفافیت آزادی اطلاعات به منظور نظارت کنترل و ارزیابی سیستم حکمرانی خواهد بود که در این صورت امکان بروز خطا و سوء استفاده از قدرت به میزان قابل توجهی کاهش پیدا می‌کند و این می‌تواند حکمرانی را در مسیر مطلوب رهنمون سازد.

در ارزیابی شفافیت، دو شاخص اصلی مدنظر قرار می‌گیرد (هافمن و کری، ۲۰۱۴) که شامل حکمرانی خوب و آزادی اقتصادی است. در سنجش حکمرانی خوب حداقل ۶ شاخص مدنظر قرار می‌گیرد که عبارتند از: پاسخگویی و حق اظهارنظر، ثبات سیاسی و عدم خشونت، کارآمدی حکومت، کیفیت قوانین، نقش قانون و کنترل فساد.

به منظور سنجش آزادی اقتصادی نیز آیتم‌هایی (مؤسسه هرتیج و مجله وال استریت، ۱۹۹۵) لحاظ می‌گردد که عبارتند از: حق مالکیت و آزادی از فساد، آزادی بودجه‌ای و مخارج دولت، آزادی کسب و کار، آزادی نیروی کار، آزادی پولی، آزادی تجارت، آزادی سرمایه‌گذاری و آزادی مالی.

طبق مطالعه هافمن و کری که در فاصله سالهای ۱۹۹۶ تا ۲۰۱۴ و در میان ۲۳۰ کشور انجام پذیرفته است، وضعیت ایران از نظر شاخص اظهارنظر و پاسخگویی، کارآمدی حکومت و کیفیت قانون مناسب نبوده و بهبودی طی سالها حاصل نشده است. در شاخص ثبات سیاسی و کنترل فساد طی دوره مورد مطالعه، اوضاع ایران بهبودیافته است و در شاخص نقش قانون اوضاع ایران طی دوره بدتر شده است.

به‌طور کلی طبق مستندات ارائه شده و نیز بررسی میدانی محقق به‌عنوان عضوی از جامعه، موضوع شفافیت، از وضعیت خوب و مناسبی در جامعه برخوردار نیست و به نوعی، کتمان کاری و پرهیز از شفافیت، به‌عنوان یک فرهنگ پذیرفته شده در جامعه نهادینه شده است و کسی تمایلی به برقراری آن ندارد. شاید یک نگرانی اساسی از عواقب این شفافیت و آشکارسازی است که طبق آن مثل سخن معروف "چون پرده در افتد نه تو مانی و نه من".

به نظر چالش بزرگ در این مقوله، یک اراده مستحکم و خلل‌ناپذیر در پذیرش هزینه این موضوع یعنی شفافیت و پیاده‌سازی آن است. پنهان کاری و عدم شفافیت موجب ایجاد چالش بی‌اعتمادی و در نهایت کاهش و گاهی عدم مشارکت است.

- مناسبات درون حاکمیتی

از دیگر مواردی که در فرآیند سرمایه اجتماعی نقش مؤثری دارد، چگونگی مناسبات درون حکومتی (دولتی) است. نوع روابط و مناسباتی که میان اعضاء و قوای حکومتی وجود دارد، در شکل‌گیری، قوت یا ضعف سرمایه اجتماعی اثر قابل توجهی دارد. در واقع مناسبات، برآیندی از کارآمدی و مشروعیت نظام سیاسی است که همکاری، مشارکت و اعتماد را موجب می‌گردد. اگر دولت را بر مبنای تعریف می‌گدال؛ سازمانی متشکل از کارگزاران متعدد تحت رهبری و هدایت نخبگان دولت که از توانایی و اقتدار لازم برای وضع و اجرای قواعد الزام‌آور برای کلیه مردم و همچنین ابزارهایی برای به قاعده و تحت کنترل درآوردن سایر سازمان‌های اجتماعی در سرزمینی مشخص برخوردار بوده و در صورت لزوم بتواند از زور مشروع استفاده کند، بدانیم؛ آنگاه که در درون این دولت و حاکمیت نیاز به برقراری مناسبات صحیح و متناسبی است که بتواند محقق‌کننده نظم، کنترل بر اعضای جامعه و قاعده‌مندسازی آن باشد تا بتواند اعتماد و مشارکت را جلب کرده و در مسیر پایدار گام بردارد. (می‌گدال، ۱۳۹۸: ۲۱)

نظام سیاسی، شبکه‌ای از روابط را داراست که نیازمند شکل‌گیری صحیح و متناسب آنهاست. قدرت نهفته در ساختار نظام سیاسی نیز که اقتضائات خاص خود را داراست و در کنار تسهیل امور، دشواری و پیچیدگی را هم به‌همراه دارد. بر این اساس تنظیم روابط درون این ساختار بسیار حائز اهمیت است.

آنچه در حاکمیت ایران بعد از انقلاب اسلامی، به ویژه از دهه ۷۰ شمسی به بعد محل چالش و مناقشه منجر به خطر افتادن و آسیب سرمایه اجتماعی شده است، همانا عدم تنظیم روابط و مناسبات صحیح در درون آن و میان قوای مختلف و نیروهای متعدد حاکمیت بوده است. چرا که به نظر می‌رسد، درک صحیحی از جایگاه و میزان قدرت، توان، اختیار و ظرفیت

آنها وجود ندارد و به جای تعامل، همفکری و هم افزایی؛ در مسیر تخریب، تضعیف و اصطکاک عملکردی گام برداشته شده است.

عدم به رسمیت شناختن قوا در حوزه عملکردی و گاهی به تدریج حس بی اعتمادی را در اعضای جامعه بر می‌انگیزاند. گروکشی، سهم‌خواهی، هتک حرمت، ترور شخصیت و ... از موارد دیگری است که می‌تواند از مصادیق عدم شناخت و درک صحیح از مناسبات درون حاکمیتی مورد اشاره قرار بگیرد.

قدرت، اقتضائاتی دارد که شناخت آن مسیر حکمرانی را هموار می‌سازد. متأسفانه در فرآیند حکمرانی در جمهوری اسلامی ایران علیرغم وجود آموزه‌های مختلف دینی و علمی، مناسبات قدرت و حکمرانی به درستی پیاده نشده است، به طوری که اگر فردی در مسند قدرت و مسئولیت از قبیل مسئولیت در قوه مجریه، قوه مقننه و یا قضائیه و نهادهای شهری و منطقه‌ای قرار می‌گیرد، حوزه مسئولیت، تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری را فراموش می‌کند و به دنبال ورود (دخالت)، و به چالش کشیدن دیگران در مسئولیت‌های دیگر است. برای مثال فردی مسئولیت ریاست جمهوری را برعهده می‌گیرد، اما در مقام عمل و اجرا، قوه قانونگذاری را به هیچ می‌انگارد و معتقد بر تمکین مجلس از دولت است و یا نماینده مجلسی که خود را مطلق فرض کرده و از باب تهدید سخن می‌راند و مثال‌های متعدد دیگر، نشان از عدم درک و شناخت صحیح از مناسبات حکمرانی است که اگر اینگونه بود، هر کس در جایگاه، مقام و منصب خویش و متناسب با شرح وظائف مربوطه، به ایفای وظیفه می‌پرداخت؛ مجلس قانونگذاری و نظارت، دولت اجراء و آنگاه هم اعتماد جلب می‌شد، هم مشارکت افزایش می‌یافت و هم پایداری حکومت رقم می‌خورد.

حکمرانی: امتیاز سلسله مراتب، قوه قهریه، شأن، ساختار، اثرگذاری، پذیرش و ... دارد، و همه اینها مستلزم آگاهی و شناخت در چارچوب و عمل به قاعده است.

نتیجه‌گیری

در این نوشتار با توجه به اهمیت موضوع نقش‌آفرینی سرمایه اجتماعی در شکل‌گیری عملکرد نظام سیاسی، مبنای بررسی را پیرامون جایگاه سرمایه اجتماعی در جمهوری اسلامی ایران قرار دادیم. در این راستا ضمن بررسی مفهوم سرمایه اجتماعی و متغیرها و شاخص‌های آن شامل؛ اعتماد، مشارکت، هنجار و شبکه، به وضعیت و جایگاه سرمایه اجتماعی در جمهوری اسلامی به عنوان نظام سیاسی برآمده از انقلاب اسلامی که خود برآیند اعتماد و مشارکت حداکثری مردم بود، پرداخته شد و در ادامه چالش‌ها و موانع تحقق سرمایه‌اجتماعی در جمهوری اسلامی که

از نظر محقق، رسیدن به مطلوب را با مشکل مواجه می‌سازند، مبادرت ورزیده شد. آنچه در جمع‌بندی و نتیجه‌گیری این نوشتار می‌توان بدان اشاره نمود، آنکه؛ اهمیت نقش، حضور و مشارکت مردم در پایه‌گذاری، شکل‌گیری و تداوم نظام جمهوری اسلامی بر کسی پوشیده نیست. همان‌طور که مقامات ارشد نظام به‌ویژه حضرت امام خمینی^(ره) و مقام معظم رهبری نیز به کرات نسبت به این موضوع تأکید ورزیده‌اند و در بیانات خویش که تبیین‌کننده سیاست‌ها و راهبردهای کلان می‌باشد، اشاره نموده‌اند. بر این اساس در طول بیش از چهل سال گذشته در قالب سیاست‌های کلی، چشم‌انداز، برنامه‌های پنج‌ساله، بیانیه گام دوم و... به بیان کلی مفهوم سرمایه اجتماعی پرداخته شده است. اما در حوزه عملکردی بواسطه چالش‌ها و موانع اساسی از قبیل: فردگرایی، عدم وجود ساختار و نهادهای مردم‌نهاد، عدم تعریف صحیح از مناسبات قدرت و ... و از همه مهمتر عدم شکل‌گیری فهم مشترک از ضرورت سرمایه اجتماعی، موجب گردیده جایگاه مناسب و متناسبی از سرمایه اجتماعی و شاخص‌های آن در جمهوری اسلامی ترسیم نگردد. بنابراین بازنگری در رویکرد و نگرش به این مفهوم به‌منظور کارآمدسازی عملکرد نظام، یک ضرورت انکارناپذیر می‌باشد. فهم مشترک نسبت به اینکه اگر می‌خواهیم رضایتمندی در آحاد جامعه رخ دهد؛ ملزم به اعتمادسازی در راستای افزایش مشارکت مردم در ساحت‌های مختلف جامعه و نظام سیاسی هستیم. لازمه این اعتمادسازی و مشارکت حداکثری؛ به رسمیت شناختن خردجمعی، بسترسازی فعالیت نهادهای مدنی و مردم‌نهاد، وفاق و همگرایی به جای تعارضات درون حاکمیتی خواهد بود.

منابع فارسی

کتاب

- بوردیو، پی یر (۱۳۹۳)، نظریه کنش، مرتضی مردیپا، تهران، نشر نقش و نگار
- پاتنام، رابرت (۱۳۷۷)، دموکراسی و سنت‌های مدنی، محمدتقی دلفروز، تهران
- (۱۳۸۴)، سرمایه اجتماعی، افشین خاکباز، تهران، نشر شیرازه
- تونیکس، فران (۱۳۸۷)، اعتماد و سرمایه اجتماعی، محمدتقی دلفروز، تهران، پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷)، فرهنگ لغت دهخدا، تهران، انتشارات دانشگاه تهران
- راش، مایکل (۱۳۹۳)، جامعه و سیاست، منوچهر صبوری، تهران، انتشارات سمت
- زتومکا، پیوتر (۱۳۹۱) اعتماد: نظریه جامعه‌شناسی، غلامرضا غفاری، تهران، نشر شیرازه
- فاین، بن (۱۳۸۵)، سرمایه اجتماعی و نظریه اجتماعی، سیدکمال سروریان، تهران، نشر پژوهشکده مطالعات راهبردی
- فوکویاما، فرانسیس (۱۳۸۶)، پایان نظم: سرمایه اجتماعی و حفظ آن، غلامعباس توسلی، تهران، نشر حکایت قلم نوین
- فیلد، جان (۱۳۸۶)، سرمایه اجتماعی، غلامرضا غفاری، تهران، نشر کویر
- عمید، حسن (۱۳۸۹)، فرهنگ فارسی عمید، تهران، نشر راه رشد
- کاستلز، مانوئل (۱۳۸۰)، عصر اطلاعات: اقتصاد، جامعه و فرهنگ، احد علیقلیان و همکاران، تهران، نشر طرح نو
- کلمن، جیمز (۱۳۷۷)، بنیادهای نظریه اجتماعی، منوچهر صبوری، تهران، نشر نی
- گیدنز، آنتونی (۱۳۷۴)، جامعه‌شناسی، حسن چاووشیان، تهران، نشر نی
- مصطفی الاخمینی، روح‌ا. (۱۳۸۵)، صحیفه نور، تهران، نشر عروج
- وبر، مارکس (۱۳۷۳)، اقتصاد و جامعه، عباس منوچهری، تهران، انتشارات سمت
- ون دایک، تئون‌ای (۱۳۹۴)، جامعه‌شناسی و مردم‌شناسی، محسن نوبخت، نشر سیاه‌رود

مقاله

- زرگر، افشین (۱۳۸۶)، نظریه هنجاری روابط بین‌الملل در جهان معاصر، فصلنامه سیاست خارجی، سال بیست و یکم، شماره ۳

سایت